

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم صل علی محمد و آل محمد

سوره مبارکه نور (جله چهاردهم)

جله خانوادگی - اسناد اخوت ۹۵/۵/۲۷

برای سلامتی خودتان و همه‌ی شیعیان و امام شیعیان صلواتی بفرستید.

آخرین بحثی که مطرح شد بحث علم بود. دلیل مطرح کردن این بحث آیه‌ی مبارکه‌ی نور و ارتباط نور و علم بود. علم خدا از نظر رتبی بر نور مقدم است. به همین دلیل هم وقتی شما در آیات قرآن غور می‌کنید کلمه‌ی نور بیشتر جنبه‌ی مقصد بودن برای انسان دارد.

«الله ولی الذین آمنوا یخرجهم...» کتابی نازل شده تا انسان را از ظلمات به نور خارج کند. نور مثل می‌شود برای علم خدا.

برای اینکه از نورانیت قرآن بیشتر استفاده کنیم صلوات.

- با بررسی شبکه‌ی مفهومی نور و علم، علم حقیقت نور است و نور نمود بیرونی یا کارکرد حقیقی علم است. اگر انسان علمی را به دست آورد و نورانیتی در آن نبود نسبت به آن تردید کند. خاصیت علم نورانیت است.

نور مثل علم و تبیین‌کننده‌ی آن حقیقت است. کاری که می‌کنی علم‌آموزی هست یا نیست؟

بین کاری که علم با تو می‌کند نور و شفاف‌سازی هست یا نیست؟

یک عمل عبادی انجام می‌دهی، می‌گویی من نورانی شدم. نورانی شدن یعنی من احساس رضایتم بیشتر شد یا ابهامم در زندگی کمتر شد.

اما ما گاهی به اینکه حال خوشی دست بدهد می‌گوییم نورانی شدن.. در حالی که نورانی شدن یعنی ابهامات زندگی - مان کم شود.

فلسفه‌ی عبادات نورانی شدن است. نورانی شدن یعنی علم بیشتر و رهایی از ابهامات.

نور مثل علم، تبیین‌کننده حقیقت آن است.

اگر می‌گویی فلان زیارت را رفته‌ای و نورانی شدی، ابهامت باید کم شده باشد.

نور همان علم به اعتبار هدایت‌بخشی است. نور همان علم است یعنی هدایت می‌کند.

نور=علم علم=نور

نور بیان عظمتی است که در علم وجود دارد. علم بیان جوهره و حقیقت نور است.

طالب علم است یعنی طالب نور است.

نور به عنوان نشانه بودن علم است. و علم نشانه‌ی حضور نور در صحنه‌های زندگی انسان است.

اگر جمعی یا کشوری یا انسانی را می‌خواهی تشخیص بدهی که چقدر نور دارد، بین چقدر علم (علم نوری) دارد.

هر جمعی و حکومتی به اندازه جهل‌اش در ظلمات است. و به اندازه علمی هم که دارد، روشنایی دارد.

علم حیثیت‌های مختلفی دارد. همان علمی که خدا بر انسان حجت قرار داده است.

آدم‌ها دشمن حقایق هستند چون به آن جهل دارند. (امام علی علیه السلام)

به آن جهل دارند یعنی آن را نمی‌بینند. نور کلید و راه رسیدن به حقایق است.

واژه‌های علم نوری را در قرآن بررسی کنیم. ۱- هدایت ۲- بیان ۳- تبیین (بین ایجاد می‌کند/ تمایز ایجاد می‌کند) ۴-

مبین ۵- بینه و بینات. این‌ها زیر مجموعه علم هستند.

حیثیت‌های علم: علم و قدرت - علم و حیات - علم و فطرت (دین)

واژه‌های مثبت بزرگتر از واژه‌های منفی هستند. همیشه در قرآن مثبت‌ها وسیع‌تر هستند.

مخالف خیر، ضر/شر است.

دانستن برخی چیزها ناراحتان می‌کند. خوب چه کاری هست که آن‌ها را بدانند؟!

باب علوم غیبی را هر کسی نباید بداند.

بینه و بینات: حجت را بر انسان تمام می کنند.

۶- سراج منیر ۷- ذکر: هم زیر مجموعه علم است. (ذکر و واژه های اطراف آن)

جاری شدن ذکر را معادل الله نور السماوات... می گیرد.

فی بیوت اذن الله... می شود. برخی خانه ها محل ذکر و تَلَأُوْهُ اللهُ نور السماوات و الارض می شود.

ذکر در صورتی ذکر است که علم باشد.

ذکر، علم، نور و رشد می آورد.

۸- صراط مستقیم

۹- قرائت ۱۰- ایمان و خشیت

برای علم در ساحت قرآن ویژگی های مختلفی می گوئیم. نه برای اینکه از نورانیت علم کم می شود بلکه انسان از وجهی به حقیقت دست پیدا می کند و از وجهی آن را کتمان می کند.

علمی که نزد خداست هم علم است هم نور است.

علم کشف شدنی و نازل شدنی است، حاصل شدنی نیست. انسان باید کاری کند تا در معرض نورانیت و تابشی قرار بگیرد. علم، القاء شدنی است.

کتاب را که می خوانند اقتضائی ایجاد می شود و نور در آنها جاری می شود. آگاهی به رسالت رسول پیدا می کند اما هوای نفسش مانع آن می شود. هر جا در انسان یا جن یا شیطان باشد چون مرکب است، می تواند جلوی اطاعت را بگیرد.

اما در ملائکه که بساطت دارند، برآیندش اطاعت است.

از راه های شناخت اینکه انسان به حقیقتی علم پیدا کرد یا نه، نگاه کنید ببینید در او خشیت ایجاد شده یا نه؟

خشیت عبارت است از حالت پذیرش و نرمشی که انسان نسبت به حق پیدا می کند.

بعد از دیدن عظمت حقیقتی، نسبت به آن پذیرش پیدا می کند.

علم وقتی حجاب شود نه تنها نورانیت اضافه نمی‌کند بلکه ظلمت هم ایجاد می‌کند.

از آسیب‌شناسی‌هایی که برای انسان‌ها می‌کنند زمانی ست که انسان علم دارد اما مابه‌ازایش عمل ندارد. یعنی علم برایش تبدیل به حجاب نورانی می‌شود. چون ماهیت علم نور است، حجاب نورانی می‌گویند.

علم جانِ ایمان است. یعنی درون‌مایه‌ی هر ایمانی علم است.

خشیت نتیجه علم است. هر که از خشیت محروم شد عالم نیست. هر چند با چیزهای شبه علم بتواند اورانیوم را آزاد کند. چون ذات اقدس دانه‌ی جو را بشکافد. لذا فرموده‌اند علماء تنها آنانند که خشیت دارند.

شاخص علم خشیت است. برای اینکه متوجه شوید که علمی که یاد می‌گیرید علم هست یا نه، ببینید آن را که فرا می‌گیرید پذیرش شما نسبت به حق بیشتر می‌شود یا کمتر.

فقط عبادِ علماء هستند که خشیت دارند. «انما یخشى الله من عباده العلماء» یک نفر در فضای علمی می‌رود، اطاعتش کم می‌شود. نسبت به خودش، علمش، علم نیست.

قدیم‌ها ما دوست داشتیم سراغ علم برویم. برایمان سؤالمان بود که «أُطْبِ الْعِلْمِ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» منظور چه علمی است؟

۱- علم نوری دائماً با هدایت قرین است. نشانه‌ی نزدیک شدن به خدا جانشینی در صفات اوست. یعنی نسبت به صفات خدا نزدیک‌تر شود.

۲- همراه با ذکر و یاد خداست. کسی که در هر موضوعی کسب علم می‌کند گویی در حال و هوای ذکر خدا تنفس می‌کند.

توابع را می‌گوید انگار خالق در عالم هست، نظمی دارد و... در این نگاه می‌کند.

۳- علم توأم با ذکر و هدایت است. هر قدر فرد عالم‌تر می‌شود، اخلاق اجتماعی‌اش بیشتر می‌شود.

۴- فرد وسعت صدر یافته و تحمل او نسبت به سختی‌های دنیا بیشتر می‌شود.

قدرت رویارویی‌اش بیشتر با دیگران و در نتیجه مسئولیت‌اش هم بیشتر پیدا می‌کند.

۵- با حفظ و صورت ذهنی به دست نمی‌آید، به همین دلیل زائل‌شدنی نیست و یا به سختی از بین می‌رود. در درون انسان ثبت می‌شود.

۶- فرد را به الهام متصل و قدرت ابداع و تحول در آن علم را بسیار بیشتر از آنچه تصور می‌شود در فرد محقق می‌سازد.

۷- تقوا و خشیت فرد را نسبت به خدا را افزایش می‌دهد.

۸- فرد را برای شکوفایی استعدادها و برخورداری از نعمت‌های خاصی که خدا عطا کرده است، مهیاتر می‌سازد.

۹- فرد را برای اخذ مسئولیت‌های اجتماعی و فضل‌رسانی به دیگران آماده می‌کند.

اگر علمی قدرت نفع‌رسانی نداشته باشد اساساً علم نوری نیست. علماء اخلاق می‌گفتند علمی بطلبه درسی نبود، علمی بطالبه در سینه بود.

انسان به دلیل اینکه در مدار تدریج قرار دارد، این علم را هم به تدریج به دست می‌آورد.

نهج البلاغه/خطبه ۲۲۰

«عند تلاوته رجال لا تلهيهم...» را که امام علی (علیه السلام) می‌خواندند، یک‌سری خصوصیات علم نوری را بیان کرده‌اند.

قال العالم: منظور علی ابن موسی الرضا است. عالم آل محمد هستند. در روایات منظور از عالم، علی ابن موسی الرضا (ست) سزاوارترین علمی که باید به دنبالش باشی آن علمی است که بدون آن عملت خراب می‌شود.

نماز خوب، بچه تربیت کردن، ازدواج کردن... اگر نداشته باشی نمی‌توانی خوب باشی.

هدف علم، عمل است. علمی واجب‌تر است که فردای قیامت در مورد آن از تو سؤال می‌شود.

در قیامت از پدر می‌پرسند، چرا درست پدری نکردی؟!

هر انسانی مجموعه عملی دارد، واجب است علم آن عمل را داشته باشی. حتی کاسب‌های بازار هم در قدیم کتاب مکاسب می‌خواندند.

علم یا اولویت دارد یا واجب است یا لازم است (ضروری است، اصلاح قلب انسان وابسته به آن است).

احمد العلم (علمی که حسن را زیاد می‌کند و انسان را محمود می‌کند): قابل ستایش‌ترین علم آنی است که موجب ازدیاد اعمال نیک دنیای تو شود. یعنی علمی که دست و پا دارت می‌کند.

مبادا وقت و عمر خود را صرف چیزی کنی که اگر ندانی ضرری به حال تو ندارد و مبادا از علمی که ترک‌اش موجب ازدیاد جهلت می‌گردد غافل بمانی.

(عده الداعی ص ۷۶)

هر کسی در هر جایی هست شناسایی کند و عمل کند، باب‌های دیگر برای او باز می‌شود.

قاعده کلی در روایات این است که

اگر علم برای عمل آموخته شود (خوانده شود) نورانیت می‌آورد. در ساحت انسان اینطور است.

اگر علم برای ذخیره گاه آموخته شود نه تنها نفع‌رسانی نمی‌کند بلکه تبدیل به مزاحمت می‌شود.

هر کسی به ضرورت‌هایی که با آن مواجه است، رجوع کند.

هر کسی به چیزی که می‌داند عمل کند، در آنچه نمی‌داند کفایتش می‌کند. نقص در زندگی به خاطر بی‌عملی است

نه بی‌علمی. همیشه علم بیشتر از عمل است. پس هر که به همان مقدار که علم دارد، عمل کند خدا اوضاعش را

روبراه می‌کند.

همیشه ما نسبتمان به اعمالمان ...؟

کسی که مشاوره می‌آید، حتماً علمی دارد که عمل نمی‌کند.

علم اولویت‌بندی را هم با خودش می‌آورد.

به این روایت را توجه کنید.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «وقتی علم را شنیدید، با جانتان طلب کنید و بشنوید، باید دل‌های شما گنجایش

داشته باشد و ظرف وجودی‌تان، ظرف علم شود.»

علم را برای عمل بشنوید ولی بدان اگر علمی را شنیدی و عمل نکردی در قیامت ۲ تا چوب به تو می‌زنند.

۱- چرا نمی‌دانی؟ ۲- آنچه می‌دانی را چرا عمل نمی‌کنی؟

کمی روایتش پیچیده است.

بدان که شیطان در دو جا قرار می‌گیرد.

۱- در مواقف جهل (کمبود علم)

۲- در مواقف زیادی علم

هنگامیکه شیطان با شما به دشمنی برخاست با آنچه می‌دانید، به او روی آورید. زیرا کید شیطان ضعیف است.

ظرفیت علم را داشته باش یعنی هر وقت علمی را یاد گرفتی عمل کن.

اگر علم را نشنوی که شیطان بر شما مسلط می‌شود! اگر خوب می‌دانی اما عمل نمی‌کنی هم، شیطان بر شما مسلط می‌شود.

فردی که علم را حمل نمی‌کند شیطان بر او قدرت می‌یابد. یک موقع شیطان یقه شما را گرفته ول هم نمی‌کند. اینجاها حتماً شیطان هست. (جاهایی که درگیری وجود دارد)

با دانسته‌هایتان با و روبرو شوید و به دانسته‌هایتان نیز عمل کنید. به دانسته‌هایتان عمل کنید، این مبارزه با شیطان است. زیرا کید شیطان ضعیف است.

هر کسی به واسطه علم، مظاهری از قدرت خدا برای او هویدا شده که اگر آن را عمل کند، می‌تواند بر شیطان پیروز شود و زیر و رو کند.

علم و ارتباط با آن:

۱- علم بدون عمل موجب زیاد شدن کفر است.

برای اینکه خداوند در این مسیر به ما توفیق بدهد **صلوات**

(بحار، ج ۲، ص ۲۹)

دعا کنید خدا ما را جزء علمایی قرار دهد که به علمشان عمل می‌کنند

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات